

۱۲۸۳۱۳۲
۱۲۸۳

قلعه رستم خوف

از دیرینه‌ی باستان‌شناسی و تاریخ

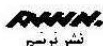
www.ketab.ir

تالیف

مستصرقلی نژاد

سرشناسه	: قلی‌نژاد، مستنصر، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: قلعه رستم خوسف از دریچه‌ی باستان‌شناسی و تاریخ / تألیف مستنصر قلی‌نژاد.
مشخصات نشر	: تهران: نشر برسم، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۴ ص: مصور (رنگی)، نقشه (رنگی).
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۳۸-۲۵-۲
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: قلعه‌ها - ایران - خراسان جنوبی
	Castles -- Iran -- Khorasan, southern
موضوع	: قلعه رستم خوسف
	Rostam Khusf Castle Khusf, (Iran)
	Xhusf (Iran) -- Antiquities
رده‌بندی کنگره	: ۲۰۱۷ DSR
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵ / ۸۵۰۴۳
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۸۷۷۸۱۶۰
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیپا	

www.ketab.ir



دفتر: تهران، میدان رسالت، خیابان هنگام، خیابان قزوینی، بلاک ۶۶، طبقه اول

تلفن: ۷۷۲۰۷۰۹۴ تلفن همراه: ۰۹۱۹۳۳۹۰۳۳۴

barsam_publishing

قلعه رستم خوسف

از دریچه‌ی باستان‌شناسی و تاریخ

مستنصر قلی‌نژاد

ناشر: نشر برسم

چاپ نخست: بهار ۱۴۰۱

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۳۸-۲۵-۲

کپی‌های حقوق و امتیازات کتاب محفوظ است.

فهرست

۷.....	پیشگفتار
۱۱.....	جغرافیا و تاریخ قهستان
۲۴.....	تاریخچه ساخت استحکامات
۲۸.....	ویژگی‌های کلی قلاع اسماعیلیه
۳۹.....	قلعه رستم خوسف
۴۴.....	حصارها، برج‌ها و حیاط‌ها
۵۰.....	راه‌ها، درگاه‌ها و ورودی‌ها
۵۶.....	ساختارهای معماری
۶۸.....	بارگ و بخش‌های داخلی
۷۵.....	گورستان
۷۶.....	بخش تولیدی، صنعتی و دامداری
۷۸.....	سخن پایانی
۸۱.....	کتابنامه
۸۶.....	سنگ نگاره و سنگ نوشته‌ها
۹۲.....	خصوصیات متداول کتیبه‌ها و سنگ نگاره‌ها
۹۶.....	نگاره‌ها و ضرورت حفاظت از آنها
۹۹.....	معرفی سنگ نوشته‌ها و سنگ نگاره‌های قلعه رستم

۱۳۵.....	سخن پایانی
۱۵۴.....	کتابنامه
۱۵۷.....	سفال‌های قلعه رستم خوسف
۱۷۶.....	کتابنامه
۱۷۷.....	نمایه

پیشگفتار

نوشتار پیش رو برآیند پژوهش و بررسی‌هایی است که سال‌ها پیش در بازدیدی همراه با چند تن از دوستان و همکاران باستان‌شناسم آغاز شد. در بازدید نخست دوست بزرگوارم، آقای مرتضی گرگی، در راه بازگشت و فرود از قلعه، نگاره‌ی دست و سنگ نوشته‌ی مردانشاه صلاح را دید. با توجه به نبود گزارشی از سنگ نوشته‌ها و نگاره‌های این قلعه توسط محققین و باستان‌شناسان بازدیدکننده‌ی پیشین، سزاوار است ایشان را در شناسایی این سنگ نگاره‌ها پیشگام دانست. اگر چه پس از شناسایی نگاره‌ی دست و سنگ نوشته‌ی مردانشاه باقی از وی در نوشته‌های دیگر همکاران برده نشده است. آن سفر نخست، سرآغاز و برانگیزنده‌ی نویسنده این نوشتار شد تا برای پژوهش موشکافانه‌تر و جستجوی جدی‌تر یادگار نوشته‌های دیگر که گمان می‌رفت در قلعه یافت شود مصمم شوم. از این رو چندین بازدید از قلعه به تنهایی و یا همراه با برخی دوستان انجام شد. بیشترین سنگ نوشته‌ها و نگاره‌ها در دومین بازدید از قلعه شناسایی شد که مهم‌ترین سنگ نوشته‌های این قلعه نیز به شمار می‌روند.

اهمیت این قلعه و کتیبه‌های آن از این روست که همواره وابستگی قلعه‌های کوهستانی قهستان به دوره‌ی نزاری با حدس و گمان و بر اساس همگونی یافته‌های منقول و غیر منقول آن به سنت‌های فرهنگی و مادی سده‌های میانه اسلامی بوده است؛ اما سنگ نوشته‌ها و نگاره‌های شناسایی شده در این قلعه گواه روشن و استواری از این موضوع است که این قلعه در دوران سلجوقی و خوارزمشاهی در دست نزاریان بوده است. شاید حتی بتوان گام فراتر نهاد و به پستوانه‌ی تاریخگذاری قطعی بخشی از مواد فرهنگی پراکنده در قلعه فراوانی، رواج و پراکنش مواد فرهنگی همانند را در دیگر قلعه‌های این منطقه از سنت‌های مادی فرهنگی این جامعه در قهستان سده‌های میانه‌ی اسلامی برشمرد.

نکته ای که برای هر تاریخ نویس و باستان شناسی که درباره دوران میانه اسلامی و نزاری در قهستان پژوهش می‌کند، نخست دشواری یافتن منابع تاریخی [محل] و کمبود آنهاست و چنانچه این گونه نوشته‌های تاریخی یافت شود گزیده گویی، پیچیدگی‌ها، کاستی‌ها و واکاوی آن کتاب‌ها و رونوشت‌ها خود چالشی دیگر برای پژوهشگران به شمار می‌رود.^۱

تاریخ دقیق ورود شیعیان اسماعیلی به قهستان به درستی دانسته نیست ولی می‌توان آن را دست کم از سده‌ی سوم هجری قمری به این سو دانست.^۲ همان طور که بالا گفته شد یادداشت‌های تاریخ نویسان دوره اسلامی گزیده گویی، پیچیدگی و کاستی‌های زیادی دارد و واکاوی آنها خالی از اشتباه نخواهد بود. با نگاهی به این یادداشت‌ها و تاریخ‌ها درخواهیم یافت که درونمایه‌ی بیشتر این

۱- با زیر و رو کردن کتاب‌های تاریخی و نوشته‌های تاریخ نویسان دوران اسلامی در می‌یابیم که سنت فرهنگ شفاهی در تاریخ ایران از پیشینه و غنای درخوردنی برخوردار بوده و ایرانیان کمتر به نوشتن رخدادهای رسم و روش زندگی خود پرداخته اند. پیرو دیگر بخش‌های ایران قهستان نیز از این الگو جدا نیست. با جستجو در کتاب‌های تاریخی می‌توان دریافت که از آغاز دوران اسلامی نام چند تن برجسته است که برای نگاشتن و نگارش تاریخ منطقه‌ی قهستان و یا درونمایه‌هایی از این دست تلاش‌هایی کرده‌اند. از شناخته شده‌ترین این نویسندگان و نویسندگانی می‌توان به رویختی نویسنده‌ی تاریخ قهستان، جلالی قاینی نویسنده‌ی نصایح الملوك شاهرخ و حسامی واعظ نویسنده‌ی مزارات و تاریخ قهستان حسامی، فنودی نویسنده‌ی مراه المكنونات فی التاریخ قاینات و آیتی نویسنده‌ی بهارستان اشاره کرد. درونمایه‌ی بیشتر این کتاب‌ها متأثر از کتاب تاریخ قهستان رویختی است که در سده‌ی ۵ هجری قمری در قهستان و احتمالاً رویخت می‌زیسته است. شوربختانه از تاریخ قهستان رویختی نوشته‌ای در دست نیست اما دیگر کتاب‌های ذکر شده را به ترتیب می‌توان در کتابخانه ملی وین، کتابخانه آیت الله مرعشی و رونوشت‌هایی چاپ شده از دو کتاب واپسین در سال‌های گذشته یافت.

۲- در این باره دانسته‌های ما بر چندین گروه از نوشته‌های تاریخی و سروده‌ها استوار است، یکدسته از نوشته‌های تاریخی همچون رشید الدین فضل الله و ابوالقاسم کاشانی بیان کرده‌اند که فرزندان اسمعیل بن جعفر صادق به جهت حفظ خود از نابودی به دست عباسیان از سده‌ی دوم به مازندران، ری و خراسان گریختند، دسته‌ی دیگر نوشته‌ها نیز غیاث و احمد را از داعیان اسماعیلی در خراسان در سده‌ی سوم هجری دانسته‌اند. گروه دیگر نوشته‌ها کسانی همچون نصرین احمد سامانی، ابوالفضل بلعمی و ابو طیب مصعبی، که در سده‌ی سوم زیسته‌اند، را دلایلی به اسماعیلیه دانسته‌اند و گروه چهارم سروده‌های رودکی و ناصر خسرو را گواهی از گسترش دعوت اسماعیلی در خراسان در میان بزرگان ادب فارسی می‌دانند. نک: کاشانی، ابوالقاسم، ۱۳۶۶، *زبد التواریخ نزاریان و فاطمیان و نزاریان* ساخته ۷۰۰، چاپ دوم، تصحیح محمدتقی دانش پزوه، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات تاریخی، ۳۰؛ رشیدالدین فضل الله، ۱۳۸۷، *جامع التواریخ (تاریخ اسماعیلیان)*، تصحیح محمد روشن، تهران، انتشارات میراث مکتوب، ۱۱؛ دفتری، فرهاد، ۱۳۸۵، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، چاپ چهارم، ترجمه فریدون پزوه ای، تهران، انتشارات فرزانه، ۱۴۲؛ هالماهیتس، ۱۳۷۷، *فاطمیان و سنت‌های تعلیمی و علمی آنان*، ترجمه فریدون پزوه ای، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۲؛ شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۹۰، *قائمیات و جایگاه آن در شعر و ادب فارسی، دیوان قائمیات سروده حسن محمود کاتب*، تصحیح سید جلال حسینی بدخشانی، تهران، انتشارات میراث مکتوب، ده؛ شعار، جعفر و انوری، حسن، ۱۳۶۹، *گزیده‌ی اشعار رودکی*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۲۵-۲۴.

نوشته‌ها پیرامون رویدادهای کانون دعوت اسماعیلیان نزاری در منطقه الموت می‌گذرد و تنها اشارات کوتاه و پراکنده‌ای در دست نوشته‌های تاریخی از رخدادها، جنبش‌ها و قلعه‌های آنها در قهستان پیدا می‌شود.

مهم‌ترین نوشته‌های در دسترس که از چند و چون جامعه نزاری در ایران و قهستان و فعالیت‌های آنان در دوران سلجوقی تا دوران مغول سخن گفته‌اند و در باره زمانی پیش از مغول تا دوران تیموری نگاشته شده‌اند را می‌توان تاریخ قهستان روایتی، تاریخ جهانگشای جویی، جامع التواریخ رشید الدین فضل الله، طبقات ناصری منهاج سراج جوزجانی، مجمع التواریخ حافظ ابرو، مزارات یا تاریخ قهستان حسامی واعظ، ناصح الملوک جلال الدین قاینی نام برد. چهار کتاب پسین یاد شده از آن رو که بیشتر به رخدادهای قهستان پرداخته‌اند برای این منطقه اهمیت بیشتری دارند. همچنین در کنار این کتاب‌های تاریخی برخی دانشمندان و شاعرانی در این منطقه زیسته‌اند که کتاب‌های آنها می‌تواند در برخی پژوهش‌ها سودمند باشد. از جمله‌ی این کتاب‌ها می‌توان به دیوان قائمات سروده‌ی حسن محمود کاتب و سفرنامه حکیم نزاری قهستانی اشاره کرد.

پس از این پیشگفتار تلاش شده تا در سه گفتار به شرح و بیان گمانه‌هایی درباره قلعه رستم خوسف پرداخته شود. بنابراین در بخش نخست به ویژگی‌های معماری این بنا، راه دسترسی، گزارش بخش‌های مختلف قلعه و ساختارهای دفاعی قلعه پرداخته می‌شود. در فصل دوم سنگ نوشته‌ها و نگاره‌های شناسایی شده به ترتیب قرارگیری در قلعه تبیین می‌شوند و در مورد نام‌ها و وابستگی آنها سخن گفته خواهد شد. همچنین خواهیم دید که سنت‌های کتیبه نویسی و ایجاد نگاره‌ها در دوره‌های بعد تداوم داشته و حتی خوشنویسان بنامی از این محل بازدید کرده‌اند که می‌تواند نشانگر دلبستگی و رویکرد افراد به این قلعه همچنان پس از رها شدن آن باشد. در گفتار سوم این نوشتار به بخشی از یافته‌های فرهنگی مادی به شکل ویژه، پاره سفال‌های پراکنده بر زمین نگاهی خواهیم انداخت و گونه شناسی و توضیحات کوتاهی در مورد آنها بیان خواهیم کرد.

به رسم ادب در پایان بایسته و شایسته است که صمیمانه سپاسگزاری ویژه‌ی خود را از دوست ارجمند آقای مرتضی گرگی و خانواده‌ی نازنین و عزیزم که با شکیبایی و مهر فراوان در تمام این سال‌ها همراه و پشتیبانم بودند ابراز دارم که به حق بدون پشتیبانی آنها این کار ممکن نبود. همچنین جا دارد از بزرگواری همچون آقایان عنایت الله مجیدی و محمدرضا سروش و خانم فاطمه

کیانی که در کمال امانت و بی هیچ چشم داشت متن اولیه‌ی این کتاب را بازخوانی کردند و از پیشنهادات خود من را بی‌نصیب نکردند سپاسگزاری کنم. کمک‌های آقایان محمد فرجامی، حسنعلی جلیلی‌مقدم، ناصر و بهمن قلی‌نژاد، علی جمهوری و دیگر دوستانی که در این مسیر همراه من بودند نیز شایسته‌ی تشکر است.

مستنصر قلی‌نژاد

بهار ۱۴۰۰